



ضرورت اصلاح نظام پرداخت پولی و بهبود کفایت سرمایه بانکها در ایران

سیدسعید خادمی ثانی^۱، بهاره احمدی مقدم^۲

۱- دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

۲- دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی رفتار انسانی، پردیس کیش دانشگاه تهران

چکیده

در این مقاله با توجه به جایگاه مهم و تاثیرگذار نظام بانکی در اقتصاد کشور و ضرورت اصلاح نظام بانکی، نظام پرداخت پولی و نیز هماهنگ سازی نظام بانکی با استانداردها و الزامات بین المللی، از یک سو به بررسی سیر تکامل و تحولات بیانیه های سرمایه ای کمیته نظارت بانکی و نیز اهمیت نسبت کفایت سرمایه در نظام پولی و بانکی کشور پرداخته و پیش نیازهای اجرایی لازم جهت نزدیک شدن به سطح مطلوب شاخص های عملکرد بین المللی مورد بحث قرار گرفته و از سوی دیگر راهکارهای اصلاح نظام پرداخت پولی بررسی گردیده است. مهم ترین دلیل شکل گیری بیانیه ها و استانداردهای نظارت بانکی بین المللی در زمینه الزامات سرمایه ای، که به بال ۱، ۲ و ۳ معروف است، اقدامات پیشگیرانه در مقابله با بحران های مالی می باشد. به عقیده اکثر کارشناسان حوزه بانکی کفایت سرمایه از جمله مهمترین معیارهای ارزیابی وضعیت مالی یک بانک است و بانکها به واسطه ویژگیهایی که دارند می بایستی سرمایه کافی برای پوشش ریسک ناشی از فعالیتهای خود داشته باشند. نظام بانکی کشور در راستای مراودات اقتصادی بین المللی نیازمند انجام اصلاحات ساختاری و بهبود شاخص های عملکرد به ویژه نسبت کفایت سرمایه می باشد.

کلمات کلیدی: کفایت سرمایه، کمیته نظارت بانکی، ساختار سرمایه، نظام پرداخت پولی



مقدمه

یکی از ارکان مهم و تاثیر گذار در اقتصاد کشور نظام پولی و بانکی می باشد که اصلاح این نظام همواره مورد بحث قرار گرفته است، یکی از مباحث مهم در اصلاح مقررات و قوانین حاکم بر سیستم بانکی کفایت سرمایه بانکها، ساختار مالی و سرمایه می باشد. سرمایه یکی از مهمترین معیارهای سنجش سلامت و ثبات بانک ها به شمار می آید، چرا که سرمایه نقشی کلیدی در پوشش ریسک ها داشته و در کمک به حداقل سازی انحرافات از نظم بازار، جذب هرگونه زیان احتمالی و مراقبت از عدم انتقال آسیب های وارده به سپرده گذاران، حفظ اعتماد عمومی به شبکه بانکی، تضمین ثبات و پایداری فعالیت های بانکها و افزایش ظرفیت اعتباری بانک ها بسیار مؤثر و تعیین کننده می باشد. به همین منظور بانکها بایستی همواره به معیارهای سنجش عملکرد خود توجه لازم را داشته باشند، معیارهای کمی مهم جهت ارزیابی وضعیت مالی یک بانک عبارتند از: کفایت سرمایه، کیفیت دارایی ها و ساختار مالی بانک، سودآوری، نقدینگی، حساسیت عملیات به مخاطرات بازار و سایر معیارهای اساسی (نظیر تغییرات رشد اقتصادی کشور، نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی و نوع اظهارنظر حسابرس مستقل و بازرس قانونی). از دیدگاه بسیاری از کارشناسان حوزه بانکی، کفایت سرمایه یکی از مهمترین این معیارها در ارزیابی عملکرد و سلامت بانکی می باشد. مهم ترین دلیل شکل گیری بیانیه ها و استانداردهای نظارت بانکی بین المللی در زمینه الزامات سرمایه ای، اقدامات پیشگیرانه در مقابله با بحران های مالی است. با توجه به مشکلات و هزینه های ناشی از درگیری بانک ها در بحران های بزرگ مالی، توسعه و تکامل چارچوب های مناسب مقرراتی و نظارت بانکی از جمله مقررات الزام آور برای بانک ها در زمینه نگهداری حداقل سرمایه، به مقابله با نابسامانی های مالی بین المللی کمک شایانی نموده است.

موقعیت ضعیف سرمایه بانکهای عمده بین المللی در اوایل دهه ۱۹۸۰ و نیز وجود اختلافات در سطح بین المللی در زمینه تعریف سرمایه و مقررات کفایت سرمایه، کمیته مقررات بانکداری و نظارت بر عملیات بانکی را بر آن داشت تا به انعقاد توافقنامه ای در مورد استانداردهای کفایت سرمایه پرداخته و آن را به بانکهای فعال بین المللی معرفی نماید. امروزه برای ارزیابی عملکرد بانکها و مؤسسات اعتباری از یکسری شاخص های مالی استفاده میشود که نسبت کفایت سرمایه در میان آنها از اهمیت خاصی برخوردار است. توجه به اصلاح شاخص های عملکرد و سلامت نظام بانکی در شرایط فعلی بیش از پیش دارای اهمیت است. در این مقاله تلاش میگردد ضمن بررسی سیر تکامل و تحولات ایجاد شده در الزامات بیانیه های سرمایه ای کمیته نظارت بر عملیات بانکی، به بررسی اهمیت و آثار نسبت کفایت سرمایه در نظام پولی و بانکی کشور پرداخته و پیش نیازهای اجرایی لازم جهت نزدیک شدن به سطح مطلوب شاخص های عملکردی بین المللی مورد بحث قرار گیرد.

کمیته نظارت بانکی بال و سیر تحولات بیانیه های سرمایه ای:

کمیته نظارت بانکی بال از مراجع بسیار مهم و فعال بین المللی در زمینه نظارت بانکی در کشورهای عضو و دیگر کشورهای علاقمند است. در حال حاضر، اعضای کمیته بال را کارشناسان ارشد نظارت بانکی از کشورهای بلژیک،

7Th International Conference on Management, Accounting and Economic Development

September 20, 2021

کانادا ، فرانسه ، آلمان ، ایتالیا ، ژاپن ، لوگزامبورگ ، هلند ، سوئد ، سوئیس ، انگلستان ، اسپانیا و ایالات متحده امریکا تشکیل می دهند. کمیته بال به رغم برخورداری از تخصص و تجارب کارشناسان ارشد کشورهای پیشرو در صنعت بانکداری ، فاقد هر گونه اقتدار رسمی فراملی در امر نظارت بانکی می باشد و نتایج کار و دستاوردهای آن به هیچ وجه الزام قانونی برای کشورها ایجاد نمی کند . هرچند رعایت اصول کمیته بال در امور نظارت بانکی برای کشورها الزامی نیست ، اما باید توجه داشت که سازمان های بین المللی مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به شدت از توصیه های نظارتی این کمیته حمایت می کنند . در ادامه سیر تکامل و تحولات بیانیه های سرمایه ای کمیته نظارت بانکی تشریح میگردد.



الف (بیانیه سرمایه ای شماره ۱ (BASEL I) :

اولین پیش نویس بیانیه سرمایه ای شماره ۱ در سال ۱۹۸۷ منتشر و در جولای ۱۹۸۸ توسط اعضا به تصویب رسید. زمان اجرای این بیانیه در پایان سال ۱۹۹۲ تعیین شد. تا پایان سال ۱۹۹۸ اصلاحاتی در خصوص این بیانیه صورت گرفت و نسخه تجدید نظر شده آن منتشر شد.

بر اساس این بیانیه نسبت کفایت سرمایه به صورت زیر محاسبه می گردد :

$$\text{نسبت کفایت سرمایه} = \frac{\text{سرمایه پایه}}{\text{دارایی های موزون شده به ریسک اعتباری}} \geq ۸ \text{ درصد}$$

سرمایه پایه حاصل جمع سرمایه اصلی و سرمایه تکمیلی پس از انجام کسور لازم می باشد.

- سرمایه اصلی :

سرمایه پرداخت شده ، اندوخته قانونی ، سایر اندوخته ها (به جز اندوخته / ذخیره تجدید ارزیابی دارایی های ثابت و سهام متعلق به بانک و موسسه اعتباری) ، صرف سهام ، سود انباشته (در صورت وجود زیان انباشته ، این مبلغ از جمع سرمایه اصلی کسر میگردد)

- سرمایه تکمیلی :

ذخایر مطالبات مشکوک الوصول عمومی (حداکثر ۱.۲۵ درصد دارایی های موزون شده به ریسک) ، اندوخته / ذخیره تجدید ارزیابی دارایی های ثابت ، اندوخته ناشی از تجدید ارزیابی سهام (حداکثر ۴۵ درصد).

- کسور از مجموع سرمایه اصلی و تکمیلی :

سرمایه گذاری در بانکها و موسسات اعتباری دیگر که حسابهای آنها با حساب بانک یا موسسه اعتباری مادر تلفیق نشده است ، و سرمایه گذاری در بانکها و موسسات اعتباری با صلاحدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران .

نقاط ضعف و نارسایی های بال (۱) :

عمده ترین نارسایی های مطرح شده در این زمینه شامل موارد ذیل می باشد :

محدودیت طبقات دارایی های ریسکی ، محدودیت اوزان ریسکی دارایی ها ، محدودیت کاربرد تکنیک های کاهش ریسک اعتباری ، نادیده گرفتن ریسکهای بازار و عملیاتی ، محدودیت در کاربرد روش های مدیریت ریسک توسط بانکها ، نادیده گرفتن تفاوت در موقعیت و اعتبار مالی شرکتها متقاضی تسهیلات بانکی (عدم استفاده از رتبه اعتباری شرکتها در فرایند اعتبارسنجی)

ب (بیانیه سرمایه ای شماره ۲ (BASEL II) :



7th International Conference on Management, Accounting and Economic Development



September 20, 2021

اولین پیش نویس بیانیه شماره ۲ در سال ۲۰۰۱ منتشر شد و در سال ۲۰۰۴ به تصویب اعضاء رسید و زمان اجرای آن ابتدای سال ۲۰۰۷ تعیین گردید. در سال ۲۰۰۶ نسخه اصلاح شده ای با عنوان نسخه نهایی منتشر و زمان اجرای بیانیه شماره ۲ به ابتدای سال ۲۰۰۸ موکول گردید.

$$8 \text{ درصد} \geq \frac{\text{سرمایه پایه}}{\text{دارایی های موزون شده به ریسک بازار} + \text{دارایی های موزون شده به ریسک عملیاتی} + \text{دارایی های موزون شده به ریسک اعتباری}} = \text{نسبت کفایت سرمایه}$$

چهارچوب مقررات بال 2 ریسک بازار و ریسک عملیاتی را مورد توجه قرار می دهد. بر اساس این مقررات، سرمایه بانک باید بتواند زیانهای احتمالی ناشی از ریسک بازار (کاهش ارزش پرتفوی بانک در اثر تغییر هر یک از متغیرهای اصلی بازار مثل نرخ بهره، نرخ تورم و یا نرخ ارز) و همچنین ریسک عملیاتی (زیان ناشی از ضعف یا سوء استفاده افراد، فرآیندها، سیستمهای عملیاتی و یا زیان های ناشی از رخدادهای و وقایع) را نیز پوشاند. به همین جهت مفهوم جدیدی از سرمایه تحت عنوان "سرمایه اقتصادی" در تعاریف بانکداری وارد شد و به تبع آن مفهوم بازدهی نیز تغییر یافت و معیار جدیدی تحت عنوان "بازده سرمایه تعدیل شده با ریسک" معرفی شد. برای محاسبه ریسک بازار، مدل های "ارزش در معرض ریسک" و برای سنجش ریسک عملیاتی نیز سه رویکرد استاندارد شده، محاسبه داخلی و روش پیشرفته مطرح شد. در روش ارزش در معرض ریسک، ارزش دارایی های معامله شده با توجه به میزان کاهش در ارزش دارایی قبل از اینکه بانک از آن دارایی برای سرمایه گذاری استفاده نماید لحاظ میشود.

بیانیه بال ۲ در مقایسه با بیانیه بال ۱ دارای مزایای اجرایی به شرح می باشد:

- با ارائه روش های متنوع برای محاسبه ریسک حق انتخاب بیشتری در مدیریت ریسک برای بانکها قائل است، به عبارت دیگر در مقایسه با بیانیه شماره ۱ دارای انعطاف پذیری بیشتری است.
- شاخص های دقیق تری را نسبت به بال ۱ برای سنجش دقیق موقعیت ریسکی بانک ارائه می کند. به عبارت دیگر از حساسیت ریسکی بیشتری در محاسبات برخوردار است.
- با ورود ریسک عملیاتی و بازار در محاسبات، برخورد جامعی نسبت به بال ۱ با مقوله ریسک در بانکها دارد.
- از طریق برقراری استانداردهای جدید در زمینه افشای جزئیات فعالیت بانک و شفافیت مالی بیشتر، توانایی فعالان بازار و ناظران را در ارزیابی کفایت سرمایه بانکها بالا می برد.

بیانیه سرمایه ای شماره ۲ (بال ۲) به منظور تحقق اهداف ذیل تدوین گردید:

۱. ترویج امنیت و سلامت سیستم مالی و حفظ سطح کلی سرمایه کنونی در سیستم های مالی.
۲. گسترش شرایط تعادلی و رقابت در بازارهای مالی.
۳. ارائه رویکرد جامع تر برای شناسایی ریسک ها و کنترل آنها.



7th International Conference on Management, Accounting and Economic Development

September 20, 2021



با توجه به اهداف در نظر گرفته شده در بال ۲ به مرور زمان هیچ یک از اهداف تعیین شده محقق نشده است. در هدف اول اصول کمیته بال سلامت سیستم مالی و حفظ سطح کلی سرمایه کنونی در سیستم های مالی در نظر گرفته شده بود. مطابق با مطالعات مرکز بررسی های اثرات مقداری وابسته به بانک تسویه بین المللی در زمان اجرای بال ۲ میزان سطح کلی سرمایه نسبت به بال ۱ برای بانک هایی که رویکرد نرخ داخلی را استفاده نموده اند، در حال کاهش بوده است و این نشان دهنده عدم موفقیت در هدف اول کمیته بال می باشد. همچنین در دستیابی به هدف دوم یعنی گسترش شرایط تعادلی و رقابت نیز موفقیتی کسب نشد و نهادهای مالی بزرگ تر با رویکرد نرخ داخلی، منافع قابل توجهی نسبت به نهادهای مالی کوچک تر بر حسب تعهدات سرمایه به دست آوردند. تحت چنین رویکردی بانک های بزرگ تر قادر هستند با سرمایه بیشتر زمینه های سود آوری بیشتر را برای خود فراهم آورند در حالی که دیگر بانک های کوچک تر مجبورند روند معکوس و سودآوری کمتری را داشته باشند و سهم بازار رقابتی را از دست داده و نسبت به بانکهای بزرگ تر آسیب پذیرتر باشند. بال ۲ با توجه به پیشرفت های خود در کاهش ریسک بازار و تبدیل دارایی ها به اوراق بهادار، در ارائه رویکرد جامع در مدیریت ریسک نیز دچار نقصان شده است. بنابراین هدف سوم که ارائه رویکرد جامع تر برای شناسایی ریسکها بود نیز محقق نشده است.

برخی چالشها و دلایل عدم موفقیت بال ۲ را می توان به شرح ذیل بیان کرد:

- برای تمام بانکها قوانینی یکسان در نظر گرفته شده است.
- اجرای یکپارچه مقررات در تمام بانکها به دلیل اینکه بانکهای کوچک در مقایسه با بانکهای بزرگ بین المللی امکانات کمتری در استفاده از روش های مدیریت ریسک در اختیار دارند، دچار مشکل و چالش های اساسی میگردد.
- تفاوت در قوانین کلی و پایه، مقررات و امکانات زیر بنائی در کشورهای جهان موجب اجرای ناهماهنگ بیانه در کشورهای مختلف به خصوص در کشورهای در حال توسعه می شود.
- عدم توجه به سایر ریسکها به غیر از ریسک بازار و ریسک اعتباری

ج) بیانه سرمایه ای شماره ۳ (BASEL III):

با توجه به عدم موفقیت بال ۲ در تحقق اهداف اولیه خود و ظهور بحرانهای مالی اخیر تغییراتی در قوانین و مقررات بال ایجاد شده است که تحت عنوان قوانین و مقررات بال ۳ مطرح است. بانک تسویه جهانی در سال ۲۰۱۰ جدیدترین ویرایش چارچوب تنظیمی بین المللی که نسخه به روز شده ای از پیمان بال می باشد را تحت عنوان " بال ۳ " منتشر کرد. در بیانه بال ۳ بیشتر به موضوع سرمایه پرداخته شده است و این سرمایه مقداری از دارایی ها با کیفیت بالا است که بانک باید برای جذب و ضربه گیری زیان ها نگهداری کند. این بیانه مجموعه ای از اقدامات اصلاحی است که به منظور تقویت مقررات، نظارت و مدیریت ریسک بخش های بانکی با اهداف ذیل ارائه شده است:

بهبود توانایی بانکها برای جذب شوک های ناشی از بحرانهای مالی و اقتصادی بدون در نظر گرفتن منشاء آنها، بهبود مدیریت ریسک، تقویت شفافیت و میزان افشاسازی.



7Th International Conference on Management, Accounting and Economic Development

September 20, 2021

بیانیه سرمایه ای شماره ۳ دارای تغییراتی نسبت به دو بیانیه پیشین است و تغییراتی به شرح ذیل در آن پیشنهاد شده است:

۱. بازبینی مقررات انواع ابزارهایی که به عنوان سرمایه بانکها تلقی می شود. بر این اساس کیفیت، ثبات و شفافیت سرمایه پایه افزایش خواهد یافت:

- سرمایه نوع ۱: بخش عمده سرمایه نوع ۱ باید شامل سهام عادی و سودناشته باشد. الزامات سرمایه نوع ۱ که شامل حقوق مشترک صاحبان سهام و دیگر ابزارهای مالی مناسب از قبیل سودناشته و درآمد می باشد از ۴ درصد به ۶ درصد افزایش یافته است. حداقل الزام برای حقوق مشترک صاحبان سهام که مناسب ترین شکل سرمایه برای جذب زیان است از سطح ۲ درصد به ۴.۵ درصد افزایش می یابد و سایر اقسام سرمایه نوع اول تا ۱.۵ درصد سرمایه نوع ۱ را تشکیل خواهد داد.

- سرمایه نوع ۲: باید هماهنگ و یکنواخت گردد و ۲ درصد سرمایه کل را شامل میشود.

- سرمایه نوع ۳: که تنها برای اهداف ریسک بازار مورد استفاده قرار می گیرد حذف خواهد شد. به طور خلاصه الزامات کلی سرمایه به میزان ۸ درصد است که ۶ درصد آن باید به سرمایه نوع ۱ تخصیص یافته و مابقی سرمایه درجه ۲ را شامل می شود.

۲. چهارچوب پوشش ریسک سرمایه قوی تر خواهد شد:

- تقویت نسبت کفایت سرمایه برای جلوگیری از در معرض ریسک هم تراز قرار گرفتن به وسیله استفاده از ابزار مشتقه، بازخرید و معاملات مالی اوراق قرضه.

- افزایش ضربه گیرهای سرمایه

- کاهش میزان اثرپذیری از سیکل های اقتصادی.

- فراهم کردن انگیزه های لازم برای ایجاد قراردادهای فرابورس مشتقات با طرف حسابهای قابل اعتماد.

- فراهم کردن انگیزه هایی برای تقویت مدیریت ریسک.

۳. استفاده از نسبت بدهی (نسبهای اهرمی):

بحران مالی نشان داد که مشکلاتی در محاسبات داراییهای موزون شده با ریسک وجود دارد. علت بروز چنین مشکلاتی استفاده از اطلاعات گذشته و تجربیات تاریخی در روشهای داخلی بانک ها می باشد. بنابراین ارزش بسیاری از دارایی ها به طور قابل ملاحظه ای کاهش می یابد. از این رو توافقات گسترده ای برای در نظر گرفتن نسبت بدهی در مباحث تنظیم قوانین و مقررات پیشنهادی بال ۳ به وجود آمده است که این نسبت به عنوان معیار اضافی برای کفایت سرمایه در نظر گرفته شود و بتواند حمایتی را در برابر مشکلات مربوط به وزنهای ریسک ایجاد نماید. هدف از معرفی این ابزار سنجش، فراهم کردن بستری مناسب برای معرفی یک نسبت اهرمی و ایجاد محافظ هایی به منظور پوشش ریسکهای مترتب بر مدل انتخابی و خطای اندازه گیری می باشد. حداقل این نسبت ۳ درصد تعیین شده است و بانکها ملزم خواهند بود حداقل الزامات ذیل را در ارتباط با دارایی های موزون شده به ریسک به اجرا در آورند:



- حقوق صاحبان سهام عادی تقسیم بر داراییهای موزون به ریسک برابر با ۳.۵ درصد .
- سرمایه نوع ۱ تقسیم بر داراییهای موزون به ریسک برابر با ۴.۵ درصد .
- کل سرمایه تقسیم بر داراییهای موزون به ریسک برابر ۸ درصد .
- ۴. استفاده از نسبت نقدینگی و نسبت تأمین مالی خالص :

نسبت پوشش نقدینگی مقدار دارایی های نقدی مورد نیاز بانک ها برای تسویه کردن مجموع همه جریان های نقدی در ۳۰ روز آینده را نشان میدهد . نسبت تأمین مالی ثابت خالص نیز بر چگونگی برابری میان دارایی ها و بدهی ها تأکید دارد و از اینکه بانک ها تأمین مالی های خود را در دوره های بلند مدت تر تنظیم نمایند و بدهی هایشان در دوره های کوتاه مدت تر باشد، جلوگیری می کند . نسبت تأمین مالی ثابت خالص از تقسیم میزان تأمین مالی ثابت موجود به میزان تأمین مالی مورد نیاز به دست می آید . منظور از میزان تأمین مالی ثابت موجود، میزان نقدینگی، سهام و بدهی هایی است که دست کم در یک سال برای بانکها وجود دارد و میزان تأمین مالی ثابت مورد نیاز مقدار دارایی است که این انتظار برای آنها وجود ندارد که در یک سال بازپرداخت شوند . حداقل سطوح نقدینگی باید بر اساس انواع آزمون های بحران با استفاده از استانداردهای مشخص محاسبه شود .



۵. حذف اشکال ضعیف سرمایه ای:

حذف اشکال ضعیف سرمایه ای نیز از دیگر راه کارهای پیشنهادی بال ۳ می باشد. بحران مالی اخیر نشان داد که برخی اوراق بهادار که ابزارهای سرمایه ای پنداشته می شدند در این بحران بدون استفاده بودند. سرمایه باید بتواند زیان ها را در مواقع ضروری جذب نماید. از این رو پیشنهاد شده است برخی از اشکال سرمایه که این کارآیی را ندارند حذف شوند. همچنین ممکن است برخی از انواع سرمایه که برای پشتیبانی و حمایت بانک ها استفاده می شوند نسبت به دیگر انواع آنها گران تر باشند. بنابراین بانک ها انواع ارزان تر سرمایه را جایگزین انواع گران تر میکنند. به عنوان مثال سهام عادی قوی ترین شکل حمایت سرمایه ای و تقریباً گران ترین نوع سرمایه برای بانک ها می باشد، بنابراین بانکها فرمهای ضعیف تر و ارزانتر سرمایه را جایگزین چنین سرمایه ای میکنند. لذا بحث بر سر آن است که بعضی یا همه اشکال ضعیف سرمایه ای حذف شوند تا دیگر امکان چنین فعالیت هایی برای بانکها وجود نداشته باشد.

۶. معرفی مجموعه ای از اقدامات و معیارها برای توسعه محافظ های جدید سرمایه :

- ذخیره محافظ سرمایه : بر اساس بال ۳ تمامی بانکها باید برای رسیدن به نسبتهای حداقل سرمایه به ذخیره کافی سرمایه پردازند. همچنین ذخیره سرمایه محافظ آنها بیش از ۸ درصد سرمایه کل باشد. ذخیره سرمایه محافظ باید بالاتر از حداقل الزام قانونی در سطح ۲.۵ درصد تنظیم شده و پس از اعمال کسورات بر حقوق مشترک صاحبان سهام تامین شود. هدف از ایجاد این ذخیره، تضمین نگهداری یک ذخیره سرمایه توسط بانک هاست تا بتوانند از آن برای جذب زیان در دوران بحران از این محافظ برداشت کنند. اما هر چه نسبت های سرمایه قانونی آنها به حداقل نزدیک شود، محدودیت های آنها توزیع درآمدهایشان بیشتر خواهد بود. بانکهایی که این محافظ را استفاده نمیکنند در پرداختی های خود دچار محدودیت شده و ممکن است مجبور به فروش سهام و یا پرداخت مساعده های احتیاطی به کارکنان خود شوند.

- ذخیره جبرانی : می توان بر اساس شرایط هر کشور یک ذخیره جبرانی در حدود صفر تا ۲.۵ درصد از حقوق مشترک صاحبان سهام و یا دیگر سرمایه های جذب کننده زیان را در نظر گرفت.

هدف این ذخیره جبرانی، دستیابی به اهداف محتاطانه تر برای حفاظت بخش بانکی در دوره های رشد فزاینده پرداخت وام می باشد. زمانی که پرداخت وام افزایش می یابد ریسک پذیری بانک ها نیز افزایش می یابد و در این زمان است که ذخیره جبرانی استفاده میشود.

با توجه به مطالب بیان شده نکات حائز اهمیت در بیانیه بال ۳ شامل موارد ذیل است :

۱. بانک ها ملزم به تأسیس واحدی برای ارائه اطلاعات صحیح و دقیق به مشتریان هستند.
۲. هر بانکی با دارایی بیش از ۵۰ میلیارد دلار، ملزم به داشتن یک صندوق احتیاطی است که بر اساس آن باید ۲.۵ درصد سرمایه خود را در آن نگهداری کند تا در صورت بروز بحران توان مقابله با آن را داشته باشد.
۳. هر بانک باید سیستم اخطارهای پیشگیرانه را برای مدیران و مشتریان تعبیه کند.



۴. روش ورشکستگی ملایم برای واحدهایی که توان درست کارکردن را ندارند توصیه می شود به نحوی که ورشکستگی حداقل ضرر را به مشتریان و سپرده گذاران و سایر مؤسسات مالی تحمیل کند.
۵. تا پایان سال ۲۰۱۸ حداقل نسبت کفایت سرمایه ۱۰.۵ درصد تعیین شده که می بایست ۴.۵ واحد درصد آن به صورت نقد باشد.
۶. بر حاکمیت شرکتی و نظارت و رعایت شفافیت و حفاظت از منافع کامل مشتریان و سپرده گذاران تأکید میشود.
۷. بانکها باید سرمایه بیشتری نگهداری کنند، سرمایه بیشتر و ضربه گیرهای بزرگتر به این معناست که بانکها طی دوره های بحران اقتصادی آسیب پذیری کمتری دارند.
۸. تمرکز اصلی بروی داراییهای با کیفیت بالا از قبیل سهام عادی می باشد، سرمایه نقدشونده تر باشد.
۹. سرمایه الزامی جدید برابر با ۸ درصد داراییهای موزون شده به ریسک است.
۱۰. در کل وضعیت سرمایه بانکها به شرح ذیل است:
- حداقل ۸ درصد سرمایه در زمان بحران.
 - حداقل ۱۰.۵ درصد سرمایه در زمان نرمال.
 - حداقل ۱۳ درصد سرمایه در زمان اوج و رونق اقتصادی.

جدول ۱: الزامات بیانیه سرمایه ای بال ۱، ۲، ۳

بال ۳	بال ۲	بال ۱	
کمیت سرمایه			
۸	۸	۸	حداقل سرمایه کل
۲.۵	n/a	n/a	ذخیره محافظ سرمایه
۱۰.۵	n/a	n/a	حداقل سرمایه کل + ذخیره محافظ سرمایه
۰-۲.۵	n/a	n/a	ذخیره جبرانی
۱۳	n/a	n/a	حداقل سرمایه + ذخیره محافظ سرمایه + ذخیره جبرانی
۱-۲.۵	n/a	n/a	هزینه اضافی بانکهای دارای اهمیت سیستمی جهانی
۱۱.۵-۱۵.۵	۸	۸	حداقل سرمایه کل + ذخیره های سرمایه + هزینه اضافی
۳	n/a	n/a	نسبت اهرمی (نسبت بدهی)
کیفیت سرمایه			
۴.۵	n/a	n/a	حداقل سرمایه سهام عادی
۶	۴	۴	حداقل سرمایه نوع اول

Arch



**7Th International Conference on
Managment, Accounting and
Economic Development**

September 20, 2021

cooperated inter academic network
on virtual universities
CONVU

Kosar University
Ministry of Science, Research and Technology



بحران های بانکی :

بحرانهای بانکی تاریخچه ای طولانی دارد، لیکن عمده ترین و گسترده ترین آنها به دهه ۱۹۲۰ میلادی (سالهای رکود آمریکا) مربوط میشود. از آن پس، در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی نیز بسیاری از کشورها به دلیل آزادسازی نظام مالی خویش، با این پدیده مواجه شده اند. به طور کلی، بحران بانکی به صورت هجوم سپرده گذاران برای برداشت سپرده هایشان متجلی شده و بانک را در معرض ورشکستگی قرار می دهد. گذشته از مسأله فرار سپرده ها، افزایش مطالبات معوق یک بانک نیز سبب میشود تا بانک مذکور از نظر مالی ضعیف شده و قادر به ایفای تعهدات خویش نگردد.

هنگامی که بحران بانکی ادامه یافته و شدیدتر شود، بحران سیستماتیک به وجود می آید. این بحران باعث اختلال در نظم بازارهای مالی شده و اثرات مخربی روی بخش واقعی اقتصاد خواهد داشت. یک بحران سیستماتیک مالی حتی ممکن است بحران پولی را نیز ایجاد کند. بحران سیستماتیک در نهایت سیستم پرداختهای داخلی را نیز مختل میکند. بررسی بحرانهای بانکی در سالهای اخیر نمایانگر یک نتیجه مهم است: در طول ۱۵ سال گذشته، این بحرانها در کشورهای در حال توسعه به صورتی غیرعادی، متناوب و شدید بوده اند.

علت وقوع بحران بانکی در کشورهای فوق به سه دلیل:

الف - بانک های کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای صنعتی، در یک محیط متزلزل تر فعالیت می کنند.

ب - فقر سیستمهای اطلاعاتی سبب میشود تا اعتبار مشتریان بانکها و کیفیت جریان وامها چندان شفاف نباشد.

پ - نظام نرخ ارز، اغلب مواقع سبب ایجاد بحرانهای پیچیده شده و دارای اثرات بازدارنده می باشد.

گذشته از موارد فوق، مالکیت سنگین دولت روی شبکه بانکی، کیفیت پایین دارایی ها و عملیات ذخیره گیری و فشارهای سیاسی شدید برای قانونگذاری از جمله عوامل ایجادکننده بحران محسوب می شوند. براساس تحقیقات صورت گرفته، ۷۳ درصد از کشورهای عضو صندوق بین المللی پول، حداقل یک بار مشکلات قابل ملاحظه ای در بخش بانکی را تجربه کرده اند. در آفریقا، آسیا و اقتصادهای در حال انتقال اروپای مرکزی و شرقی، این رقم به بیش از ۹۰ درصد افزایش می یابد.

ارتباط عدم کفایت سرمایه ، خلق پول ، رشد نقدینگی و تورم :

یکی از دلایل خلق پول، رعایت نکردن کفایت سرمایه در بانکها است. در حال حاضر میزان تسهیلاتی که برخی از بانکها و موسسات مالی اعتباری پرداخت میکنند، هرگز قابل مقایسه با سرمایه اولیه و ثبت شده آنها نیست. خلق پول به وسیله موسسات مالی و اعتباری بدون مجوز سیاستهای انقباضی مالی دولت را کم اثر می کند، چرا که این موسسه ها، سپرده قانونی نزد بانک مرکزی ندارند، بنابراین نسبت خلق پول به کفایت سرمایه را رعایت نکرده و قادر به خلق پول تا هر اندازه که بخواهند هستند. حتی اگر انگیزه های قانونی و تخصصی را نادیده بگیریم در شرایطی که اقتصاد ایران در



سالهای اخیر با رشد فزاینده نقدینگی مواجه بوده و اقتصاددانان یکی از افزایش نرخ تورم در سالهای اخیر را رشد نقدینگی نامتناسب با رشد واقعی اقتصاد و عدم پاسخ طرف عرضه می دانند، آنگاه لجام گسیختگی در اعطای اعتبار از سوی بانکها و موسسات اعتباری نتیجه ای جز دامن زدن به تقاضای کاذب و افزایش سطح قیمت ها به دنبال نخواهد داشت. به بیان دیگر چنین رویه هایی اثر تخریبی روشنی بر اقتصاد کلان دارد و بسیاری از قوانین و سیاستهای مقابله با تورم را خنثی می سازد. موضوعی که در حال حاضر و با سیاستهای اقتصادی دولت در حال اصلاح و بازنگری می باشد. در کلاف سردرگم فهرست علل ایجاد یا تشدید تورم باید جای مشخصی برای این دست از بی انضباطی نهادهای پولی و اعتباری باز کرد. در بانکها نقش سرمایه از مهم بودن فراتر رفته و جنبه حیاتی پیدا می کند. اگر چه بانکها به دلیل نقشی که بر عهده دارند قادر هستند مبالغ قابل توجهی از منابع مورد نیاز خود را در قالب سپرده های مردمی تجهیز کرده و از آن محل نسبت به اعطای تسهیلات اقدام کنند و ظاهرا وجوه سرمایه در آن فرآیند نقش مستقیمی را به عهده ندارد، لیکن برابرقوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بانکها تقریبا تمام فعالیتهای اصلی بانک بر حسب ضرایبی و یا درصدهایی از مبلغ "سرمایه پایه" که اصلی ترین عنصر تشکیل دهنده آن مبلغ سرمایه ثبت شده است، تعیین می شود. در این خصوص به مواردی از محدود حرکتها و فعالیتهای بانکها که بر مبنای "سرمایه پایه" تعیین می شود در زیر اشاره می شود:

الف) سقف فردی مجموع تسهیلات و تعهدات هر ذینفع واحد

ب) سقف مجموع تسهیلات اعطایی یک بانک در هر زمان

ج) سقف کلی مجموع تسهیلات و تعهدات کلان یک بانک در هر زمان

د) سقف سرمایه گذاری در سهام شرکتها و اوراق بهادار و مشارکتهای حقوقی

ه) سقف خرید اموال غیر منقول و در نتیجه محدودیت در ایجاد شعب

و) مقوله کفایت سرمایه به عنوان شاخص اندازه گیری و ارزیابی میزان ریسک

بانکها به واسطه ویژگیهایی که دارند، می بایستی سرمایه کافی برای پوشش دادن ریسک ناشی از فعالیتهای خود داشته باشند. بانکها به واسطه ویژگی های خود بسیار آسیب پذیرند. از طرف دیگر بانکها باید مراقب باشند آسیب های وارده به سپرده گذاران منتقل نشود و هر گونه زیان احتمالی توسط سرمایه جذب و به این ترتیب اعتماد عمومی به بانک حفظ شود. به همین دلیل سرمایه در موسسات بانکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و یکی از مهمترین معیارهای سنجش سلامت این موسسات است. حال این سوال مطرح می شود که چه میزان سرمایه مطلوب است؟ برای پاسخ به این سوال به سطور بلا و پیشنهادهای کمیته باسل مجددا نگاه کنید، در آخر آنکه ما در مسیر ورود به بازار جهانی و بانکداری جهانی، باید خود را با دیگر بانکها هماهنگ کنیم. در زمانی که جهانی شدن بانکداری فضای فعالیت بانکی را کاملا رقابتی کرده است، نظام بانکداری ایران برای رقابت با بانکهای خارجی نیازمند اصلاحات اساسی است. اصلاحات از

Arch

7Th International Conference on Management, Accounting and Economic Development

September 20, 2021

Virtual Academic Network of Virtual Universities
CVNU

Kosar University
Ministry of Science, Research and Technology

قبیل ، نوسازی سیستم بانکی ، اصلاح مقررات مربوط به تجارت خدمات ، بهبود نسبت کفایت سرمایه و سایر شاخص های عملکردی و تغییر ساختار سازمانی .



راه حل های اصلاح نظام پرداخت پولی

عواملی چون هزینه ی بالای چاپ حجم انبوه اسکناس و امحای اسکناس های فرسوده، هزینه های ناشی از افزایش جرم و بزه در زمان ها و مکان های مختلف، از جمله در بانک ها، عدم توانایی پول در انجام وظایف خود از جمله محاسبات، نگه داری حساب ها و ثبت آمارها و نبود کارایی مطلوب در جریان گردش نقدینگی، کاهش اعتماد عمومی به پول ملی و در نتیجه، گرایش به ارز خارجی جهت انجام مبادلات داخلی و... نشان دهنده ی بیماری نظام پرداخت ها در کشورهاست که راه حل های اجرایی پیشنهادی جهت درمان این معضل به شرح زیر قابل اتکاء خواهد بود:

۱. گسترش بانکداری الکترونیک: با گسترش بانکداری الکترونیک، مشکلات و هزینه های مربوط به چاپ و امحای اسکناس تا حدی تسکین می یابد؛ اما با این حال تقاضا برای پول نقد همواره در اقتصاد وجود خواهد داشت.

۲. چاپ اسکناس در قطع های درشت تر: قطع پول، ارزش اسمی پول رایج در هر کشور است که با متغیرهای کلان اقتصاد مانند تورم، حجم نقدینگی، حجم مبادلات تجاری، سطح تولید ناخالص داخلی و... ارتباط دارد. افزایش قطع پول زمانی رخ میدهد که اقتصاد طی دوره ی زمانی طولانی، نرخ های تورم بالایی را تجربه کند و ارزش واقعی (قدرت خرید) هر قطع پول در مقایسه با ارزش اسمی آن، به شدت کاهش یافته باشد. در اینکه اقتصاد کشور ایران به پول هایی با قطع های درشت نیاز دارد، شکی نیست و باید نسبت به این مسئله اقدامات لازم صورت پذیرد. بر خلاف عقیده ی عامه، اسکناس درشت، تورم زا نیست و صرفاً جایگزین اسکناس های کوچک موجود و چک پول خواهد شد. می توان از اسکناس هایی با قطع درشت تر، ابتدا به عنوان پشتوانه استفاده کرد و طی مدت زمانی، آن را جایگزین پول های خرد و مستهلک موجود در جامعه کرد. در صورت تداوم روند صعودی تورم، تنها راه باقی مانده، اصلاح پولی است.

اصلاح پولی دارای انواعی است که در ادامه هر یک مختصراً شرح داده می شود:

الف) اتحادیه های پولی: گروهی از کشورهای یک منطقه که نه فقط با هدف برطرف نمودن مشکلات ناشی از تورم، بلکه به منظور دستیابی به منافع اقتصادی ناشی از هم گرایی اقتصادی، اقدام به معرفی پول واحد می کنند.

تشکیل اتحادیه ی پولی و معرفی پول اروپا یکی از موارد منحصر به فرد تغییر واحد پول است که در آن نه تنها نام پول ملی، بلکه تمامی اساس و شالوده ی نظام پولی کشورهای مجری تغییر کرده و بر اساس تعریف و نظم جدیدی پایه گذاری شده است.

ب) تغییر پول ملی به همراه اصلاح پولی: در این نوع اصلاح پولی، علاوه بر کاهش تعداد صفرهای هر قطعه اسکناس و سکه، نام جدیدی برای پول ملی معرفی می شود که می تواند به دلایلی مانند دوری از اشتباه افراد در استفاده از پول قدیم و جدید، خصوصاً زمانی که هر دو پول در کنار یکدیگر به کار می روند یا استفاده از نام و سنبل خاص ملی برای افزایش مقبولیت پول جدید در افکار عمومی، صورت پذیرد.

ج) حذف صفر از واحد پول ملی: ساده ترین روش تغییر واحد پول، حذف چند صفر از اسکناس ها و سکه ها و در واقع تغییر ضریب محاسباتی است.



د) تغییر واحد پول به همراه تغییر ارزش برابری: برخی کشورها هم زمان با اجرای برنامه ی تغییر واحد پول، اقدام به تقویت پول ملی در جوامع بین المللی نموده اند که بدین ترتیب، نرخ برابری پول ملی با ارزهای جهان، از جمله دلار را به صورت دستوری بهبود بخشیده اند. طبیعی است این نوع اصلاح پولی مختص کشورهایی است که در آن ها مقامات پولی به صورت دستوری نرخ ارز را تعیین می کنند و این روش برای کشورهایی که نظام ارزی شناور یا شناور مدیریت شده دارند، به هیچ وجه توصیه نمی شود.

اثرات ساختاری انجام برنامه ی اصلاح پولی:

از آنجا که اصلاح پولی در بخش واقعی اقتصاد اثر مستقیم ندارد و فقط بخش پولی اقتصاد را به طور اسمی تحت تأثیر قرار میدهد، اگر این برنامه با در نظر گرفتن ظرایف آن به طور کامل انجام شود، موجب اثرگذاری بر ساختار اقتصاد نخواهد بود؛ اما با این حال، اصلاح پولی تغییراتی لازم دارد که در ادامه می آید:

- تغییر قوانین مرتبط: در هر کشوری، یک سری از قوانین پولی، بانکی یا قوانین عامی وجود دارد که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با واحد پولی آن کشور در ارتباط است و تغییر در این گونه قوانین، مستلزم همکاری بخش قانون گذار کشور با حوزه ی سیاست گذاری اقتصادی است.

- هماهنگ سازی سیستم های رایانه ای بانک ها، مؤسسات مالی و بنگاه ها: طبیعی است که حذف صفر از پول ملی، نیازمند تغییر روش های ثبت رایانه ای و همچنین نحوه ی نگه داری حساب مشتری هاست.

- تغییر روش حسابداری: مشابه آنچه در مورد تغییر برنامه ی رایانه ای و نگه داری حساب ها عنوان شد، در خصوص روشهای حسابداری نیز هزینه هایی متصور است.

سیاست های تکمیلی مورد نیاز جهت موفقیت آمیز بودن برنامه ی اصلاح پولی

در اثربخشی این عملیات، میزان آزادی عمل و استقلال بانک مرکزی به عنوان یک عنصر کلیدی نقش آفرینی می کند. در کشورهایی که در آن ها فرآیند اصلاح پولی موفقیت آمیز بوده است، بانک مرکزی به صورت مستقل از دولت، اقدام به انجام اصلاح پولی کرده است. اقداماتی که لازم است قبل از انجام اصلاح پولی بر روی اقتصاد کشور صورت پذیرد، از جایگاه بسیار پراهمیتی در انجام موفقیت آمیز این فرآیند برخوردار است؛ به گونه ای که در برخی کشورها مانند رومانی، بعد از ۱۵ سال مقدمه سازی و اصلاح اقتصادی، اقدام به اصلاح پولی شده است تا این عملیات به نتیجه ی مطلوب منتج شود. برخی کشورها همچون زیمبابوه، به دلایلی از جمله عدم رعایت این اقدامات مقدمه ای، در فرآیند اصلاح پولی، مجبور به اصلاحات پولی پی در پی در مدت زمان چند سال شده اند.

این اقدامات شامل موارد زیر است:

- تثبیت قیمت ها از طریق اعمال سیاست های پولی و ارزی مناسب و نظارت و قانون گذاری بر مؤسسات مالی و نظام پرداختها از طریق بانک مرکزی

- اجرای برنامه های تثبیت اقتصادی و اصلاح ساختار مالی



- تعدیل اقتصادی و آزادسازی تجاری

- حذف بسیاری از اختلالات اقتصادی (نظیر حذف یارانه و کنترل های قیمتی، آزادسازی حساب سرمایه، کاهش کنترل های صادراتی، افزایش جنبه ی پس انداز ابزارهای مالی، حذف نظام چندنرخه، امکان نگه داری بخشی از درآمدهای صادرکنندگان به صورت ارز، کاهش تعرفه، حذف روش سهمیه بندی).

- اعمال برنامه های انقباض مالی و ایجاد تعادل در حساب های جاری جهت کاهش تورم

- تعیین تکلیف ارقام خُرد (گرد کردن ارقام به بالا)

- جلوگیری از اجحاف قیمتی

نتایج حذف صفر پول ملی در ۱۷ کشور جهان

یک اقتصاددان آمریکایی طی مقاله ای تحلیلی با اشاره به ۷۱ مورد حذف صفر از پول ملی در جهان از نیم قرن گذشته تا کنون نوشت: این طرح اگر به طور صحیح و در چارچوب یک سلسله اصلاحات مهم اقتصادی انجام شود تورم را مهار می کند. لاینا موسلی استاد دانشگاه کارولینای شمالی آمریکا طی مقاله ای به بررسی و تحلیل موضوع حذف صفر از پول ملی پرداخته است. موسلی در این مقاله با اشاره به پیشینه و تاریخچه حذف صفرها در سطح جهان به ذکر شرایط لازم برای انجام این عمل و نتایج و فواید آن پرداخته است. بر اساس اعتقاد این استاد دانشگاه کارولینای شمالی آمریکا حذف صفرها به خودی خود نمی تواند در مهار تورم مفید باشد و این عمل باید در چارچوب یک سلسله اصلاحات مهم اقتصادی انجام شود. اما در صورت اجرای درست این عمل تورم مهار می شود، اعتبار پول ملی افزایش می یابد، روحیه ملی ارتقاء پیدا می کند و سرمایه گذاری های خارجی در کشور افزایش می یابد. به اعتقاد موسلی از سال ۱۹۶۰ تا کنون، در ۷۱ مورد دولتهای در حال توسعه مجبور شده اند چندین صفر را از پول ملی خود حذف کنند. آخرین نمونه در این زمینه به زیمبابوه مربوط می شود که طی آن دولت این کشور ۱۰ صفر از پول ملی این کشور حذف کرد. در ژانویه ۲۰۰۵ نیز، ترکیه لیره جدید را جایگزین لیره قدیم خود کرد. بر این اساس، هر یک میلیون لیره قدیم ترکیه به یک لیره جدید تبدیل شد. در ماه جولای همین سال نیز رومانی با حذف چهار صفر واحد پول جدید خود موسوم به لیو را معرفی کرد. در هر دو مورد، دولتهای ترکیه و رومانی پیام آشکاری را برای مردم و جامعه بین الملل فرستادند و آن اینکه سیاستهای اقتصادی دولت در گذشته اشتباه بوده است. اگرچه حذف صفر از پول ملی و معرفی پول جدید، بیش از آنکه یک اقدام سیاسی باشد، یک اقدام فنی و کارشناسی است ولی کنترل دولت بر پول ملی نشانه و شاخصه یک دولت ملت مدرن است. دولتها از اواسط قرن نوزدهم کنترل سیاستهای پولی را به دست گرفتند. امروزه چالشهای زیادی برای کنترل سیاستهای پولی وجود دارد. حذف صفر از پول ملی بخشی از بسته اصلاحات اقتصادی و سیاسی به شمار می رود، همان طور که این مساله در افغانستان طی اکتبر ۲۰۰۲ اتفاق افتاد. دولت افغانستان با حذف سه صفر از پول خود افغانی جدید را به عنوان پول ملی این کشور معرفی کرد.

حذف صفرها بدون اصلاحات اقتصادی به مهار تورم کمک نمی کند:



این گزارش با اشاره به تاریخ طولانی حذف صفرها می افزاید: در قرن نوزدهم، دولتها وقتی با کمبود طلا و نقره روبرو می شدند، ارزش پول ملی خود را تعدیل می کردند. طی سالهای ۱۹۶۰ تا کنون بیش از ۷۰ مورد حذف صفر از پول ملی در کشورهای در حال توسعه انجام شده است. حذف صفرها نیز ابعاد مختلفی داشته است. در این مدت از حذف یک صفر در ۱۴ مورد تا حذف شش صفر در ۹ مورد وجود داشته است. میانگین آن حذف سه صفر از پول ملی بوده است. نوزده کشور در این مدت یک بار اقدام به حذف صفر کرده اند و ده کشور نیز دو بار این کار را انجام دادند. آرژانتین چهار بار، یوگسلاوی سابق ۵ بار و برزیل نیز شش بار صفرهای پول ملی خود را حذف کردند. در سال ۱۹۹۲ میلادی بحران های اقتصادی در آرژانتین موجب کاهش چشمگیر ارزش پول ملی این کشور و وقوع بحران دلار در این کشور شد. دولت آرژانتین نیز مجبور شد برای جلوگیری از افزایش شدید تورم، بسته اصلاحات اقتصادی را با اولویت حذف صفر از پول ملی اجرا کند. در برخی از کشورها مثل شیلی و کرواسی، سیاست حذف صفر پس از اجرای سیاستهای تثبیت اقتصادی انجام شده است. در برخی از کشورها مثل آنگولا، جمهوری کنگو و نیکاراگوئه به رغم حذف صفر از پول ملی، تورم همچنان بالا است. بنابراین یکی از مسائلی که حذف صفر از پول ملی را ایجاب می کند، افزایش شدید تورم است. در آرژانتین طی سال ۱۹۶۰ میلادی، هر دلار آمریکا در برابر ۱۱۰۰ تا ۳۵۰۰ پیروی آرژانتین مبادله می شد. آرژانتین با حذف دو صفر از پول خود ارزش آن در برابر دلار را افزایش داد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی نیز هر دلار آمریکا در برابر ۱۸۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰۰ پیرو داد و ستد می شد. دولت آرژانتین در سال ۱۹۸۳ چهار صفر از پول خود را حذف کرد. اگر دولت تنها به حذف صفرهای پول ملی اکتفا کند و اصلاحات اقتصادی فراگیر و جامعی را اجرا ننماید، سیاست حذف صفر به تنهایی کارساز نخواهد بود.

حذف صفرها سرمایه گذاری های خارجی را افزایش می دهد:

این گزارش در ادامه به بررسی انگیزه های دولت ها از حذف صفرهای پول ملی خود پرداخته است و پرسیده است: به راستی چرا دولتها اقدام به حذف صفرها از پول ملی خود می کنند؟ زمانی که ارزش پول به جای طلا و نقره توسط اعتماد عمومی مردم حفظ می شود، دولت ها مسئولیت سنگینی برای حفظ ارزش و جایگاه پول ملی دارند. یکی از مواردی که موجب حذف صفر پول ملی می شود، تورم است. رشد نقدینگی و افزایش عرضه پول موجب رشد تورم می شود و دولت می تواند با حذف صفر از پول ملی، جلوی افزایش تورم را بگیرد. تلاش برای اصلاح واحد پول ملی و معرفی واحد پول جدید نیز زمینه دیگری برای حذف صفرهای پول ملی است. تعریف واحد پول جدید برای مردم خیلی مشکل است. حذف صفر از پول ملی مکانیسم مناسبی برای تعریف پول ملی جدید است. به عنوان مثال، وقتی دولت از مردم می خواهد تا پول های قدیمی را ظرف مدت کوتاهی با پول جدید معاوضه کنند، این احتمال وجود دارد که همه پولهای قدیمی با پولهای جدید معاوضه نشود. هم نظامهای سیاسی دموکراتیک و هم نظامهای دیکتاتوری دلایل سیاسی برای حذف صفرهای پول ملی دارند. نظامهای دموکراتیک معمولاً برای کاهش نرخ تورم اقدام به حذف صفر می کنند. عمل به تعهدات اقتصادی به خصوص دستیابی به نرخ تورم پایین، نقش زیادی در افزایش اعتبار دولت در بین مردم دارد.



7Th International Conference on Management, Accounting and Economic Development



September 20, 2021

موفقیت دولت در کاهش نرخ تورم و افزایش رشد اقتصادی، موجب تقویت جایگاه دولت در بازارهای مالی بین المللی و تشویق سرمایه گذاری بخش خصوصی خواهد شد. طی سالهای اخیر، دولتها برای دستیابی به اهداف اقتصادی و عمل به تعهدات خود، بانکهای مرکزی را مستقل نموده اند. برای کشورهایی که قصد پیوستن به اتحادیه های پولی منطقه ای را دارند، عمل به تعهدات بین المللی بسیار مهم است. در کشورهایی که نرخ تورم شدید و بالا وجود دارد، دولتها برای کسب اعتماد مردم و اعتماد بازارهای بین المللی با چالشهای زیادی روبرو هستند. بهترین راهکار برای مقابله با تورم فزاینده و اجرای برنامه تثبیت اقتصادی، استقلال بانک مرکزی از دولت و حذف سیاستهای اقتصادی مزاحم و دست و پاگیر است. حذف صفر پول از دو راه می تواند به کاهش تورم و اجرای برنامه های تثبیت اقتصادی کمک کند. نخست، حذف صفر پول ملی می تواند در انتهای برنامه تثبیت اقتصادی اجرا شود تا به مردم و بنگاههای خصوصی این اطمینان داده شود که دوران نرخ تورم بالا گذشته است. حذف صفر پول در این شرایط کاملا سمبلیک و نمادین است چرا که تورم به علت سایر عوامل افزایش یافته است و حذف صفر به تنهایی موجب کاهش تورم نخواهد شد. حذف صفر از پول ملی می تواند مستقیما در روند برنامه تثبیت اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد تا انتظارات تورمی مردم تغییر یابد. استفاده از سیاست حذف صفر از پول ملی، نقش مهمی در ارتقای جایگاه اعتماد عمومی مردم نسبت به دولتها دارد. کاهش نرخ تورم تاثیر زیادی در عملکرد موفق اقتصادی دولتها دارد.

مزایای حذف صفر از پول ملی:

- کاهش حجم اسکناس
- کاهش هزینه چاپ و امحاء اسکناس در کشور
- سادگی مبادلات و ترازنامه های مالی
- تقویت پول ملی و ارزش اسمی آن در مقایسه با سایر ارزها
- اثرات مثبت روانی در جامعه

آسیب های احتمالی حذف صفر از پول ملی:

- الف) تحمیل هزینه چاپ اسکناس و ضرب مسکوکات جدید
- ب) اختلال در قیمت گذاری کالاها در کوتاه مدت
- ج) سردرگمی مردم در کوتاه مدت و تلاطم جامعه تا تطبیق با وضعیت جدید
- د) احتمال فرار سرمایه از کشور به علت نابسامانی بازار پولی
- ذ) کاهش ارزش اسکناس و ایجاد تورم
- ر) بی ربط بودن تعداد صفرهای اسکناس با ارزش گذاری پول ملی
- ز) عدم تغییر در فرایند اقتصادی
- ه) فاقد ارزش شدن و گم شدن برخی اسکناس های و سکه هایی ریز در دست مردم در مبادلات روزمره



و) در صورت عدم همراهی مردم با طرح نسبت به پول جدید

ی) کاهش صادرات به علت افزایش ارزش پول ملی

سه رویکرد در خصوص اثر حذف صفر از پول ملی بر تورم در ایران :

در این راستا ۳ نظریه بین صاحب نظران وجود دارد:

۱. حذف سه صفر باعث افزایش و یا ایجاد تورم می شود.

۲. حذف سه صفر باعث کاهش تورم می شود.

۳. حذف سه تاثیری در تورم ندارد.

گروه اول یعنی نظریات افزایش تورم معتقدند این راهکار در کشورهایی باید اجرا شود که تعداد صفرهای اسکناسشان زیاد باشد. چون با اجرای حذف صفر ارزش اسکناس کاهش پیدا می کند و تورم زیاد می شود زیرا اسکناس هایی با صفر زیاد به خاطر وجود اسکناس هایی با صفر کمتری ارزش می شوند و جابجایی کامل اسکناس هایی قدیم و جدید به یک دوره نسبتاً طولانی نیاز دارد که طولانی بودن این مدت زمینه را برای افزایش تورم فراهم می کند، مثل آنگولا، جمهوری کنگو و نیکاراگوئه که به رغم حذف صفرها همچنان تورم بالا است. در ایران اگر صفر حذف شود و پول ریالی احیا شود به دلیل اینکه ریال واحد ملی به حساب می آید طرح خوبی خواهد بود، اما اگر واحد شمارش مانند گذشته همچنان تومان باشد و صفر حذف شود طرحی نامطلوب خواهد بود. یعنی اگر طرح مذکور اجرا شود و همچنان تومان واحد شمارش در جامعه باشد این بدین معناست که هزار تومان در واقع یک تومان به حساب آید و در آن زمان کالاهایی که زیر هزار تومان قیمت داشته خود به خود افزایش قیمت پیدا می کنند و به یک تومان می رسد که این امر اثر تورمی در جامعه به دنبال خواهد داشت. پس احیای واحد ریال به طور جدی و ایجاد ثبات در سیاست هایی اقتصادی و اجتماعی گسترش اعتماد شهروندان به سیاست هایی مالی دولت و ارتقا سرمایه اجتماعی از مکانیزم حذف صفر کارآمدتر و مهمتر است.

گروه دوم یعنی نظریات کاهش تورم معتقدند چون با اجرای طرح حذف صفر از پول ملی حجم پول در گردش که هم اکنون در کشور ایران بیش از هشت میلیارد قطعه می باشد کاهش پیدا می کند و قدرت خرید افزایش میابد تورم نیز کاهش خواهد یافت و اگر بعد از اجرای طرح حذف صفر تورم پیش بیاید، نمی توان گفت به این خاطر بوده است بلکه به این دلیل بوده است که اقتصاد قادر به تولید نیست و عرضه کمتر از تقاضا است. مانند ترکیه و فقط در کوتاه مدت باعث افزایش موردی قیمت ها آن هم در کالاهایی با قیمت خرد می شود. مثلاً کالایی که قیمت آن کمتر از ۱۰ ریال است چون خرد نداریم رند می شود و به ۱۰ ریال می رسد.

گروه سوم معتقدند که اجرای طرح حذف صفر از پول ملی تاثیری در تورم ندارد یا تاثیر آن بسیار اندک است، تورم درصد تغییر قیمت هاست و تعداد صفرهای پول هایی تفاوت عمده و چشم گیری در درصد تغییرات ایجاد نمی کند که بتواند در نرخ تورم تاثیر گذار باشد. ممکن است در کوتاه مدت عده ای بخواهند اسکناس هایی قدیمی را سریعتر خرج



کنند و به این دلیل خریدهای خود را زودتر انجام دهند این امر زمانی اتفاق می افتد که مردم برای تبدیل اسکناس هایی خود با مشکل مواجه باشند که می توان از این عمل جلوگیری کرد. خرید زودتر می تواند افزایش قیمت موردی را به دنبال داشته باشد ولی در شاخص تغییر قیمت های تاثیر گذار نیست.

نظام بانکی کشور در مسیر دستیابی به نسبت مطلوب کفایت سرمایه

شکل و ساختار سرمایه پرداخت شده در بانکهای خصوصی و بانکهای دولتی در ایران متفاوت است. در کشورهایی که نرخ بهره به عنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی مورد استفاده قرار میگیرد، بانکها میتوانند از ترکیبهای متنوعی در پرتفوی سرمایه خویش استفاده کنند، زیرا به کمک مکانیزم نرخ بهره میتوانند نسبت به جلب سهامداران جدید برای افزایش سرمایه اقدام نمایند. ابزارهای سرمایه ای دو منظوره (بدهی - سرمایه) و بدهی مدتدار فرعی از این قبیل می باشند، که حامل نرخ بهره بوده و هنگام بروز زیان، به کاهش ریسک بانک کمک میکنند. چنین ابزارهایی در نظام بانکی ایران وجود ندارد و این امر نه تنها به دلیل حذف بهره از سیستم بانکی در ایران است، بلکه دولتی بودن بانکها نیز سبب میشود تا انواع سهام عادی و ممتاز که در سرمایه بانکهای خصوصی سایر کشورها وجود دارند، در سرمایه بانکهای ایران جایی نداشته باشند. مقدار سرمایه اولیه پرداخت شده بانکها در مقایسه با ارقام داراییها بسیار ناچیز بوده و قدرت پوشش ریسک بانکها در صورت مواجه شدن با بحران را نخواهد داشت. همچنین، دولت با بکارگیری تسهیلات تکلیفی، از منابع سیستم بانکی استفاده میکند. افزایش حجم تسهیلات تکلیفی که در قالب تبصره های بودجه به بانکها تحمیل میشود، باعث کاهش دستیابی بخش غیردولتی به منابع مالی میشود، زیرا بخش عمده تسهیلات بانکها به صورت تکلیفی به شرکتها و مؤسسات دولتی پرداخت میشود. افزایش مطالبات معوق و سررسید گذشته بانکها از یک سو و پایین بودن نرخ سود بانکی از سوی دیگر، باعث افزایش مطالبات معوق و سررسید گذشته میشود. یکی از علل عمده کاهش نسبت کفایت سرمایه بانکها، معلول برداشتهای مستمر دولت از منابع بانکی تحت عنوان تسهیلات تکلیفی است. بنابراین، برای دستیابی به یک نسبت بهینه مطلوب کفایت سرمایه، باید استفاده از منابع بانکی توسط دولت متوقف شود، یا تحت شرایط مقررات اقتصادی و قوانین پولی و بانکی انجام پذیرد. به طور کلی انتظارات نظام بانکی از اجرای مقررات بانکی، جلوگیری از بحران های مالی و کاهش مخاطرات و زیان های احتمالی در حوزه مالی می باشد. از طرف دیگر با توجه به اینکه دستورات و مقررات بال به عنوان گامی در راستای مقررات جهانی مطرح است، بنابراین باید در اعمال این مقررات نگرش جهانی وجود داشته باشد تا بتوان اجرای آن را بر سیستم های مختلف بانکی در کشورهای مختلف به کار برد. یکی از چالش ها و ابهامات اساسی در این حوزه عدم توجه به بازارهای نوظهور (کشورهای در حال توسعه) است زیرا حتی در مقررات بال ۲ برای این کشورها به طور خاص راهکاری در نظر گرفته نشده است و به نظر می رسد در بال ۳ این وضعیت بدتر خواهد بود. همچنین بیانیه های بال بیشتر با در نظر گرفتن شرایط بانک های کشورهای عضو به منظور جلوگیری از بحران برای این بانک ها و کاهش زیان های



احتمالی بر آنها تدوین شده است و برای آن دسته از بانک هایی که صرفاً به جذب سپرده و اعطای تسهیلات می پردازند توجه خاصی نشده است و اجرای آن از لحاظ فنی برای بانک های بازارهای نوظهور (کشورهای درحال توسعه) عملاً بسیار دشوار خواهد بود. همچنین بحث دیگری که بال به آن خیلی اهمیت می دهد، بحث آزمون بسیار پیچیده استرس است که اجرای آن برای بسیاری از بانک ها بخصوص بانک های بازارهای نوظهور عملاً غیرممکن است؛ به عبارت دیگر این امر فراتر از پتانسیل مدیریت ریسک موجود می باشد. همچنین اجرای توافق نامه بال نیازمند یک سیستم مدیریت ریسکی است که ناظر بتواند با کاربرد آن، نظارت و وظایف خود را انجام دهد که این امر خود با چالش های زیادی همراه است که یکی از مهمترین آنها استقلال مقامات نظارتی است. در هر صورت به نظر می رسد یکی از مهمترین چالش ها در تدوین بیانیه بال ۳، عدم توجه به ساختارهای مالی و شرایط موجود در کشورهای غیرعضو می باشد، خصوصاً کشورهایی که سیستم بانکی آنها غیرربوبی است زیرا تفاوت در قوانین کلی و پایه، مقررات و امکان زیربنایی در کشورهای مختلف جهان نظیر تعداد مؤسسات مستقل رتبه بندی، زیرساخت های صنعت بانکداری، سیستم های کنترلی و مدیریتی در بانک ها و سطوح مهارت ها در آموزش کارکنان موجب اجرای ناهماهنگ بیانیه در کشورهای عضو و غیرعضو خواهد شد این تفاوت ها و کمبودها مشکلات بیشتری را در مسیر اجرایی کردن بیانیه به ویژه در کشورهای در حال توسعه ایجاد خواهد نمود.

بحث و نتیجه گیری :

به عقیده اکثر کارشناسان حوزه بانکی کفایت سرمایه از جمله مهمترین معیارهای ارزیابی وضعیت مالی یک بانک می باشد. در حال حاضر بسیاری از بانکهای جهان برای دستیابی به نسبت مزبور ناگزیر از افزایش سرمایه یا تغییر در ترکیب داراییها و بدهی های خود می باشند و در این ارتباط از روشهایی نظیر کاهش ریسک اعتبارات بین بانکی، فروش داراییهای با ضرایب ریسک بالا، فروش اوراق بهادار و نظایر آنها استفاده می کنند. به عبارت دیگر، تصور میشود که هرگونه تغییر در میزان نسبت کفایت سرمایه یک بانک، احتمالاً بر سایر متغیرهای مالی آن بانک و در نتیجه بر عملکرد کلی آن تاثیر خواهد گذاشت و بالعکس. بنابراین از آنجا که اولاً؛ نسبت کفایت سرمایه از جمله مهمترین شاخص های کمی برای ارزیابی عملکرد بانکها و مؤسسات اعتباری است و ثانياً؛ دستیابی به حداقل نسبت کفایت سرمایه تعیین شده به عنوان نشانه ای از موقعیت اعتباری بانکها تلقی می شود و همچنین از جنبه های گوناگون عملکرد آنها (مثل تغییرات در ریسک پرتفوی، سودآوری، اندازه و...) تاثیر می پذیرد و بر آنها تاثیر نیز می گذارد، به نظر می رسد که می بایست توجه لازم را بدان مبذول داشته و راه کارهای مناسب را جهت بهبود آن اندیشید. به طوری که هم به حداقل استاندارد اعلام شده دست یافت تا موجب حفظ موقعیت رقابتی بانک گردد و هم از سایر اثرات مثبت آن بر عملکرد بانک، مثل افزایش کارایی، بهره جستن. در شرایطی که نسبت کفایت سرمایه در اغلب بانکهای کشور در سطحی پایین تر از بیانیه بال ۱ یعنی ۸ درصد قرار دارد قطعاً برقراری ارتباط بانکهای کشور با نظام بانکی بین المللی که خود را جهت دستیابی به



7th International Conference on Management, Accounting and Economic Development

September 20, 2021

سطح ۱۳ الی ۱۵.۵ درصد کفایت سرمایه طبق بیانیه بال ۳ آماده کرده است امری چالش برانگیز و دشوار است. امری که اهمیت اصلاحات ساختاری در نظام پولی و بانکی کشور را بیش از پیش آشکار می سازد.

در خصوص اصلاح نظام پرداخت پولی نیز حذف صفر از پول ملی می بایست همراه دیگر اقدامات انقباضی در عرصه سیاست هایی پولی و انضباط مالی دولتها باشد تا در کنار کنترل تورم حذف صفرهای اسکناس کارکرد خود را داشته باشد در این صورت حذف صفرها به زودی اثر روانی خود را از دست داده و صفرها قدرتمندتر از گذشته باز می گردند.

پیشنهادات:

با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله و بررسی سیر تکامل بیانیه های سرمایه ای کمیته مقررات بانکی، و الزامات در نظر گرفته شده در این بیانیه ها، نیاز به اصلاح شاخص های عملکردی در نظام بانکی کشور به خصوص نسبت کفایت سرمایه به عنوان یکی از شاخص های مهم در سنجش سلامت نظام بانکی کاملاً لازم به نظر می رسد.

در این راستا و در جهت بهبود نسبت کفایت سرمایه در نظام بانکی کشور پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می گردد:

۱. افزایش سرمایه پرداخت شده: اضافه کردن رقم تجدید ارزیابی داراییها به سرمایه پرداخت شده اولیه راه حل اصلی نبوده و حتی براساس دستورالعمل کمیته بال میبایست از رقم اولی کسر شود.

۲. اکثر بانکها در سالهای اخیر با زیان مواجه میباشند، یافتن راههایی برای افزایش سودآوری بانکها میتواند به اصلاح این وضع کمک کند. راه هایی از قبیل کاهش مطالبات معوق و سررسید گذشته (که وجود این قبیل مطالبات باعث افزایش زیان بانکها میشود) از جمله راه های پیشنهادی محسوب میشود.

۳. افزایش ذخیره مطالبات مشکوک الوصول اگر چه بانکها را در زمینه پوشش ریسک مطالبات معوق یاری میدهد، لیکن چون سرمایه درجه دو نباید از سرمایه درجه یک بیشتر شود، لذا افزایش این گروه از ذخایر تا زمانی که سرمایه درجه یک اضافه نشود، به حل مشکلات کمکی نمیکند.

۴. کاهش و توقف استفاده دولت از منابع بانکی در قالب تسهیلات تکلیفی می تواند امکانات بانکها را بیشتر از گذشته در اختیار بخش غیردولتی قرار دهد (به شرط آنکه طر حهای موردنظر از نظر فنی، مالی و اقتصادی از توجیه کافی برخوردار باشند) یا به عبارت دیگر، اختیارات بانکها در تنظیم ترکیب داراییهای خویش افزایش یابد.

۵. تقویت نظارت بانک مرکزی بر عملکرد بانکها به گونه ای که باعث افزایش کارایی آنها شود.

۶. ایجاد رقابت سالم میان بانکها، تا بتوانند برای کسب سود بیشتر و جلب رضایت مشتری با بازارهای مالی و بانکهای دنیا ارتباط برقرار کنند. تأسیس شعب بانکهای خارجی در داخل برای ایجاد محیطی رقابتی برای بانکهای داخلی نیز میتواند از یکسو در جذب سرمایه به داخل کشور مؤثر باشد و از سوی دیگر، ترکیب پرتفوی بانکهای داخلی را بهبود بخشد. این امر در نهایت به کاهش اتکای بانکها به کمک های بانک مرکزی خواهد انجامید.



۷. تجدید سازماندهی بانکها در زمینه های مختلف مدیریتی و بهره گیری از دانش جدید بانکداری نیز می بایست در مدنظر قرار گیرد. در این میان، ایجاد مدیریت قوی نظارتی در هر یک از بانکهای تجاری و تخصصی جهت کنترل اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی میتواند به تخصیص بهینه منابع بانک کمک نماید.

۸. بیانیه های جداگانه برای نظام بانکی کشور، با در نظر گرفتن شرایط، امکانات و ساختار بانک های آنان تدوین تا در موعد مقرر قابلیت اجرایی آن فراهم شود. لازم به ذکر است علیرغم اینکه چند سال از ابلاغ بیانیه شماره ۲ میگذرد لکن به دلیل عدم وجود زیرساخت های موردنیاز، کشور ما هنوز قادر به اجرای مفاد بیانیه و بومی سازی آن نگردیده است.

۹. اجرای الزامات بال ۳ مستلزم ایجاد و توسعه ساختارهای درون سازمانی و برون سازمانی می باشد لذا برای اجرای موفق بیانیه جدید، بانک ها باید متناسب با حجم و گستردگی فعالیت خود، تشکیلات اداری مناسبی را زیر نظر عالی ترین ارکان اجرایی ایجاد نمایند و از سوی دیگر ناظران بانکی نسبت به ایجاد موسسات مستقل اعتبارسنجی اقدام نمایند تا امکان مدیریت بهینه ریسک های مترتب بر نظام بانکی میسر شود.

۱۰. با عنایت به اینکه اجرای بیانیه بال ۳ در کشورها مستلزم همکاری نزدیک بانک مرکزی با مسئولین ذیربط در بانک های کشور می باشد، لذا در مسیر اجرای مفاد پیش نویس بیانیه بال ۳ از مرحله تدوین تا اجرای عملی آن باید تعاملی موثر و سازنده بین بانک مرکزی و بانک های کشور به منظور شناسایی نارسایی ها و کمک به رفع آنها برقرار شود.

۱۱. در خصوص اجرای حذف صفر از پول ملی در ایران دو مورد قابل تامل می باشد، اول ضرورت فرهنگ سازی و دوم ضرورت نظارت بر تبدیل قیمتها.

منابع :

- [۱] فاطمی قمشه، فاطمه سادات؛ اصلاح و مقام سازی نظام بانکی، فصلنامه مطالعات نوین بانکی، تهران.(۱۳۹۸)
- [۲] بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ " دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه موسسات اعتباری"، تهران.(۱۳۹۸)
- [۳] جلالی نایینی، سید احمد رضا و نادر یان، محمدمامین، چارچوبی برای اصلاح سیاستگذاری پولی در ایران، بیست و چهارمین کنفرانس سالانه سیاست های پولی و ارزی، (۱۳۹۳)
- [۴] شاهچرا، مهشید؛ تغییرات در مقررات کمیته بال، تازه های اقتصاد، تهران.(۱۳۹۱)
- [۵] بانک ملی؛ اداره کل مدیریت ریسک؛ بررسی مفاد پیش نویس بال ۳، شماره ۱۷۶، تهران.(۱۳۹۱)
- [۶] کیان پور، سعید؛ روحانی منش، پریسا، بایدها و نبایدهای حذف صفر پول در ایران، فصلنامه سیاسی اقتصادی، شماره ۲۸۶. (۱۳۹۰)



7Th International Conference on Management, Accounting and Economic Development

September 20, 2021



- [۷] صدوری، محمد باقر، طرح حذف صفر از پول ملی، فصلنامه بانک صادرات ایران، ش ۵. (۱۳۸۹)
- [۸] مداحی، جواد؛ "بانکها و اثرات عدم رعایت در کفایت سرمایه"، ماهنامه بانک، تهران. (۱۳۸۸)
- [۹] صدوری، محمد باقر؛ "کفایت سرمایه شاخص مهم ارزیابی بانکها"، ماهنامه بانک، تهران. (۱۳۸۸)
- [۱۰] مداحی، جواد؛ "نسبت کفایت سرمایه بانکها"، تازه های اقتصاد، تهران. (۱۳۸۷)
- [۱۱] رحمانی، علی؛ حیدری، علی؛ "بررسی رابطه نسبت کفایت سرمایه بامتغیرهای مالی در سیستم بانکی ایران"، پیام مدیریت، شماره ۲۱ و ۲۲، تهران. (۱۳۸۷)
- [۱۲] سیف، ولی اله؛ "کفایت سرمایه در نظام بانکی"، مجله حسابدار، سال بیستم، شماره ۱۷۰ و ۱۷۱، تهران. (۱۳۸۳)
- [۱۳] بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ "آئین نامه کفایت سرمایه"، تهران. (۱۳۸۲)
- [۱۴] بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ "دستورالعمل طبقه بندی داراییهای موزون شده به ریسک بانکها"، تهران. (۱۳۸۲)

- [15] Mosley, Layna. (2005), Dropping Zeros, Gaining Credibility? Currency Redenomination in Developing Nations. University of North Carolina, from <http://www.allacademic.com/meta/p40104index.html>
- [16] Hanke, Steve. (1998), How To Establish Monetary Stability in Asia. The Cato Journal. 71 (3), From <http://www.cato.org/pubs/journal/cj17n3-9.html>
- [17] Basel Committee on Banking Supervision, (2002), Consultative Documents of the Basel Committee on Banking Supervision, the Basel New Capital Accord
- [18] Basel Committee on Banking Supervision, (2004), International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards: a Revised Framework, Bank for International Settlement, Basel.
- [19] Basel III: A global regulatory framework for more resilient banks and banking systems (2010)
- [20] Grier, Waymond A. (2005), Valuing a Bank Under IAS/IFRS and Basel II. Euromoney Institutional Investor.
- [21] Hall, J.B. Maximilian. (2006), Basel II, Panacea or a Missed Opportunity? Journal of Banking Regulation.
- [22] International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards. BIS, June (2006)
- [23] Wood, Duncan. (۲۰۰۵), Governing Global Banking, The Basel Committee and Politics of Financial Globalization. Ashgate Publishing Co.